

گزارشی از

کتاب کلامی علامه حلی

قسمت دوم
یعقوب جعفری

۵- الباب الحادي عشر

این وجیزه کلامی را علامه حلی به عنوان تکمله ای بر کتاب خود «منهاج الصلاح في مختصر المصباح» نوشته که تلخیصی است از کتاب «مصباح المتهدد» شیخ طوسی در ادعیه و عبادات و علامه آن را به خواهش محمد بن محمد قوهدی، تلخیص نموده است.

علامه حلی کتاب مصباح را در ده باب تلخیص کرد و از آنجا که دعا و عبادت فرع بر شناخت خدا و داشتن اعتقادات صحیح است، بخش دیگری بر آن کتاب افزود که متضمن بیان اعتقادات صحیح اسلامی است و آن را باب یازدهم کتاب قرار داد،

بعدها همین باب یازدهم به جهت اختصار و در عین حال جامعیتی که داشت، مورد توجه ویژه اهل علم واقع شد و آن را جداگانه استنساخ کردند و به عنوان باب حادی عشر معروف شد.

بر این کتاب شروح و تعلیقات بسیاری نوشته شده و مرحوم تهرانی متجاوز از بیست و پنج شرح بر آن نام می برد. ^(۱) معروفترین شرح از فاضل مقداد سیوری است که «النافع يوم الحشر في شرح باب الحادي عشر» نام دارد و به عنوان يك کتاب درسی در حوزه های علمیه تدریس می شود. این شرح بارها به زبان فارسی ترجمه شده که شاید قدیمی ترین آنها ترجمه علامه

واختصار می آورد و دیگر به اختلافات متکلمین نمی پردازد و از کسی یا گروهی نام نمی برد، جز در يك مورد که از اشاعره نام برده و آن در مسأله کلام خداست. بنابراین، این، باب حادی عشر نه مانند اعتقاد نامه های مختصری است که خالی از استدلال بوده باشد و نه مانند کتب متداول کلامی است که نظرات مختلف در آن مطرح شده باشد. این رساله قابل مقایسه با تجرید الاعتقاد خواجه نصیر طوسی است، با این تفاوت که در تجرید مباحث عامه نیز - که بیشتر بحثهای فلسفی است - آمده، ولی در باب حادی عشر نیامده است.

۶- تسلیک النفس إلى حظيرة

القدس

هرچند نام این کتاب در خلاصه الأقوال وأجوبة المسائل المهنتية آمده، ولی در آنها به موضوع کتاب اشاره ای نشده، اما مرحوم تهرانی که این کتاب را در کتابخانه خزانه غرویه در نجف دیده است، می گوید: کتاب در باره نکاتی از علم کلام ودقایق آن است و دارای چند مرصد می باشد که مرصد اول در امور عامه است، نسخه مورد بحث،

مجلسی است که در الذریعة از آن یاد کرده و نیز این کتاب را بعضیها به نظم در آورده اند که یکی از آنها نظم فارسی سردار کابلی کرمانشاهی است. (۱)

تا آنجا که ما می دانیم اصل کتاب یعنی همان «الباب الحادی عشر» نوشته علامه حلی تاکنون به صورت مستقل چاپ نشده اما نسخه های خطی متعددی از آن در دست است که شاید قدیمی ترین آنها نسخه ای است که در مجموعه بادلیان انگلستان است و در سال ۷۴۲ به خط ابن العودی کتابت شده است. البته این کتاب هر چند مستقلاً چاپ نشده، ولی در ضمن شرحها به خصوص شرح فاضل مقداد، بطور مکرر به طبع رسیده است.

باب حادی عشر در هفت فصل تنظیم

شده: فصل اول، در اثبات واجب الوجود. فصل دوم، در بیان صفات ثبوتی؛ فصل سوم، در بیان صفات سلبی؛ فصل چهارم، در بیان عدل؛ فصل پنجم، در نبوت؛ فصل ششم، در امامت و بالأخره فصل هفتم در معاد.

علامه در این وجیزه ابتدا نظر خود را مطرح می کند؛ سپس دلایل آن را به اجمال

در اداره امور مملکتی سهیم بود و سرانجام در سال ۷۱۱ کشته شد. (۳)

علامه حلی این کتاب را در چند مقدمه و چند فصل نوشته و پس از ذکر مقدماتی در بیان تحریم تقلید در اعتقادات و اینکه وقتی میان امت اختلاف افتاد، تکلیف چیست و به چه منبعی باید مراجعه کرد و بیان لزوم مراجعه به خاندان پیامبر و مسائلی از این قبیل، مطالب اصلی کتاب را عنوان می کند که تا حدود نیمه کتاب مسائل کلامی و اثبات وجود خدا و بیان صفات ثبوتی و سلبی و همچنین مسائل مربوط به نبوت و امامت و معاد است و از حدود نیمه کتاب به بعد، مسائل فقهی و اخلاقی است.

در رساله سعديه به سه مسأله مهم کلامی که میان شیعه و معتزله از يك سو و اشاعره و اهل سنت از سوی دیگر مورد اختلاف است، با تفصیل بیشتری بحث شده است. این سه مسأله عبارتند از: استحاله رؤیت خداوند، حادث بودن کلام خداوند و نفی صفات زاید بر ذات. علامه در ذیل همین بحث از فخر رازی نقل

به خط حسن بن علی مزیدی شاگرد علامه است که در سال ۷۰۷ آن را کتابت کرده و در حواشی این نسخه، خطوط علامه حلی دیده می شود. (۱)

ضمناً این کتاب را نظام الدین اعرجی پسر خواهر مصنف شرح کرده و نام شرح خود را ایضاح اللبس فی شرح تسلیک النفس گذاشته است. (۲)

۷- السعدیه

این رساله از کتابهای سودمند کلامی علامه حلی است که از لحاظ ایجاز و اطناب در حد متوسطی نوشته شده و مؤلف در آن بیشتر از کتابهای کلامی دیگر خود، از آیات و روایات استفاده کرده و بحثهای عقلی را با دلایل نقلی همراه ساخته است.

به طوری که در مقدمه کتاب آمده، علامه حلی آن را جهت «خواجه سعد الحق والملة والدین» نوشته است که منظور همان خواجه سعد الدین محمد بن علی مستوفی ساوجی است که وزیر غازان خان بود و در عهد اولجایتو همراه با رشیدالدین فضل الله

۱- الذریعة: ج ۴، ص ۱۸۰.

۲- همان: ج ۲، ص ۴۹۸.

۳- دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات ایران: ج ۳، ص ۱۵۰.

می کند که گفته است: نصارا به خاطر

اثبات قدمای ثلاثه کافر شدند و این در حالی است که اصحاب ما نه قدیم را اثبات کرده اند، یکی ذات وهشت تای دیگر صفات ذات. (۱)

همچنین علامه مسأله استحاله رؤیت خداوند را با حساسیت بیشتری دنبال می کند و اشاعره را به خاطر اعتقاد به امکان رؤیت خداوند در ردیف سوفسطایی ها قرار می دهد و با دلایل عقلی و نقلی بسیاری سخن آنها را رد می کند. (۲)

از رساله سعدیه علامه نسخه های چندی در دست است که از آن جمله است:

— نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۶۳۴۲ که در سال ۷۶۴ نوشته شده. (۳)

— نسخه کتابخانه آیه الله العظمی نجفی مرعشی به شماره ۵۱۴ که به وسیله علی بن مجد الدین، در سال ۸۶۵ تحریر شده

است. (۴)

— نسخه دانشکده ادبیات در اصفهان که در سال ۸۸۱ نوشته شده است. (۵)

— نسخه دیگر در کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی به شماره ۴۵۴ که تاریخ کتابت آن معلوم نیست. (۶)

این کتاب در سال ۱۳۱۵ هجری قمری ضمن مجموعه ای به نام کلمات المحققین که مشتمل بر سی رساله است، در تهران چاپ سنگی شده و در سال ۱۴۰۲ به وسیله مکتبه المفید در قم افسست شده است. الرسالة السعدیه، رساله دهم در این مجموعه چاپی می باشد.

۸- کشف الفوائد في شرح قواعد العقائد

مرحوم خواجه نصیر طوسی چندین کتاب مختصر در علم کلام دارد که در عین اختصار، شامل مطالب بسیاری است که

۱- الرسالة السعدیه: چاپ شده در مجموعه کلمات المحققین، ص ۳۴۸.

۲- همان: ص ۳۴۵.

۳- فهرست کتابخانه مجلس: ج ۱۴، ص ۲۲۵.

۴- فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی: ج ۲، ص ۱۱۹.

۵- مقدمه ارشاد الأذهان: ص ۹۳.

۶- فهرست کتابخانه، ج ۲، ص ۵۶.

در این کتاب علامه حلی به پیروی از ماتن، در برخی از مسائل مهم آراء و نظرات فلاسفه و متکلمین را با هم مقایسه کرده و دلایل طرفین را ذکر نموده است، مانند بحثهای اعراض، جوهر فرد، حدوث اجسام و وجود ذهنی. در این مسائل و مانند آنها ابتدا آرای حکما و براهین آنها و سپس نظرات متکلمین و طریقه آنها را ذکر می کند و در کمتر کتاب کلامی چنین روشی دیده می شود.

از نسخه های خطی کتاب می توان دو نسخه زیر را نام برد:

- نسخه کتابخانه مجلس، به شماره ۵۳۸۹ که در سال ۷۲۲ از روی نسخه مؤلف، توسط محمد بن عمر القزوینی کتابت شده است.

- نسخه مسجد اعظم قم که نسخه نسبتاً جدیدی است و تاریخ کتابت ندارد.

این کتاب در سال ۱۳۰۵ در تهران چاپ سنگی شده و در سال ۱۳۶۰ در تبریز از روی همان چاپ افسست شده و در سال ۱۴۱۳ با تحقیق حسن مکی عاملی توسط انتشاراتی دار الصفوة در بیروت، به صورت زیبایی تجدید چاپ شده است.

به اجمال و اشاره برگزار شده است. یکی از آنها کتابی است به نام «قواعد العقائد» که در عین اختصار، فواید و نکات جالبی از حکمت و کلام در آن آمده است و مانند سایر کتب کلامی خواجه، این کتاب نیز در راستای تلفیق فلسفه و کلام و آشتی دادن میان این دو است.

هرچند که علامه حلی خود مرد میدان حکمت و کلام است، اما او همواره در برابر دانش خواجه سر تعظیم فرود آورده و از آن با اعجاب و تحسین یاد کرده است و بر همین اساس است که علامه چندین کتاب خواجه را شرح کرده و در مقدمه از او به بزرگی یاد نموده است که از جمله آنها همین کتاب کشف الفوائد است که شرحی است بر قواعد العقائد خواجه و در مقدمه آن خواجه را با القابی چون شیخنا الأعظم و رئیسنا المعظم، أفضل المتأخرین، مکمل علوم المتقدمین یاد می کند.

علامه حلی این شرح را بنا به درخواست فرزندش فخر المحققین نوشته و قول داده که ایجاز و اختصار را رعایت کند و تفصیل مطالب را مانند همیشه به کتاب النهایة خود که به ظن قوی همان نهایة المرام می باشد، موقوف نموده است.

۹- کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد

این کتاب که از کتب بسیار معروف کلامی شیعی و از متون درسی حوزه های علمیه در سطوح بالاست، شرحی است بر تجرید الاعتقاد یا تجرید الکلام خواجه نصیر طوسی که متن بسیار معتبر و جامعی در علم کلام می باشد. این متن هر چند که بر اساس مکتب کلامی شیعه و مطابق با عقاید آنها نوشته شده، اما به نسبت جامعیت و نو آوریهایی که دارد، از دیر باز مورد توجه حوزه های علمی اهل تسنن هم بوده است و شروح بسیاری از طرف فریقین بر آن نوشته شده و نخستین شرح، همین کشف المراد است که علامه حلی شاگرد خواجه در معقول بر آن نوشته، بعدها از طرف علمای عامه نیز شروح بسیاری بر تجرید نوشته شد که معروفترین آنها شرح شمس الدین اصفهانی - متوفی ۷۴۶ - است که آن را «تشیید القواعد فی شرح تجرید العقائد» نامیده و به شرح قدیم شهرت یافته است و سید شریف جرجانی حواشی مفصلی بر آن دارد که به عنوان

حاشیه بر شرح قدیم معروف است و بر حاشیه جرجانی حاشیه های متعددی نوشته شده است. و دیگری شرح علاء الدین علی بن محمد معروف به قوشچی است که به شرح جدید معروف می باشد و بر آن نیز حواشی بسیاری نوشته شده که از آن جمله حاشیه های متعدد جلال الدین دوانی است، این شرح از متون درسی در حوزه های علمی اهل تسنن بوده است.^(۱)

همانگونه که گفتیم کشف المراد نخستین شرحی است که بر تجرید خواجه نوشته شده و شرحهای بعدی از آن بسیار استفاده کرده اند، زیرا که تجرید الاعتقاد در عین حال که متن بسیار جامع و مفیدی است، فهم آن به خاطر ایجاز و اختصاری که دارد، بسیار دشوار است و به گفته شمس الدین اصفهانی سابق الذکر: تجرید در حدی از ایجاز است که مانند لغز می نماید.^(۲) علامه حلی که شاگرد خواجه در معقولات بوده و با شیوه نگارش و بیان او آشنایی داشته و از طرفی تسلط فوق العاده ای در مسائل کلامی و شناخت آرا و اقوال متکلمین پیدا کرده بود، توانست متن

۱- رجوع شود به: حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۳۴۶ به بعد.

۲- همان.

از کشف المراد نسخه های خطی فراوانی موجود است که بعضی از آنها بسیار ارزشمند است. فراوانی نسخ این کتاب بدان جهت است که این کتاب از دیر باز يك کتاب درسی در حوزه های علمیه بوده وهست وطبیعی است که افراد بیشتری به استنساخ آن همت گماشته اند.

در میان نسخ کشف المراد يك نسخه از ارزش ویژه ای برخوردار است و آن نسخه کتابخانه جستر بیٹی در دوبلن ایرلند است که گویا به خط مؤلف می باشد و آن را در سال ۶۹۰ نوشته است، تصویری از این نسخه در کتابخانه آية الله العظمی مرعشی در قم موجود می باشد.

همچنین نسخه ای در کتابخانه دانشکده ادبیات تهران وجود دارد که به خط شاگرد علامه، محمد بن محمود آملی است.

همچنین نسخه ای در کتابخانه مجلس وجود دارد که خط علامه وپسرش فخر المحققین بر آن دیده می شود. (۴)

تجربید را به خوبی شرح کند ومنظور خواجه را روشن نماید وپیچیدگیهای آن را باز کند وبه همین جهت است که شمس الدین اصفهانی گفته است: اگر شرح علامه حلی نبود، این متن قابل شرح نبود. (۱) ونیز از شارح قوشچی نقل شده که اگر کشف المراد نبود، منظور خواجه را در تجربید الاعتقاد نمی فهمیدیم. (۲)

در عین حال در مواردی خود علامه نیز در فهم منظور خواجه دچار مشکل شده وگفته است، ما از کلام مصنف چنین فهمیدیم (۳) که اشاره به تردید او در فهم عبارت است.

مطلب دیگر اینکه علامه در این کتاب نیز که تا اندازه ای مبسوط است، در مواردی تفصیل مطلب را مانند بسیاری از کتب کلامی خود به کتاب نهایة المرام موکول کرده است، از جمله در بحث لطف و بحث اصلح، از نهایة المرام نام می برد وشرح بیشتر مطلب را به آن کتاب ارجاع می کند.

۱- الذریعة: ج ۳، ص ۳۵۲.

۲- مقدمه کشف المراد: از استاد حسن زاده.

۳- رجوع شود به کشف المراد، چاپ جامعه مدرسین، ص ۳۲۷ و ۴۱.

۴- مقدمه ارشاد الأذهان: ص ۹۷ و ۹۸.

— نسخه ای که نزد مرحوم آیه الله العظمی نجفی مرعشی بوده که در مقدمه احقاق الحق از آن یاد می کند، ولی ما آن را در فهرست کتابهای خطی کتابخانه ایشان نیافتیم.

۱۱- مقصد الواصلین فی أصول

الدين

نام این کتاب در خلاصه الأقوال وأجوبة المسائل المهنائية آمده و گفته شده که آن يك جلد می باشد، ولی در اجازات بحار به نام معتقد الواصلین آمده^(۱) که ظاهراً اشتباه است.

از این کتاب نام و نشانی در جایی پیدا نشد.

۱۲- منهاج الكرامة في معرفة الإمامة

علامه این کتاب را در باره امامت نوشته و از آنجا که در موضوع خود بسیار جالب و جامع است، در محافل علمی از مقبولیت خاصی برخوردار می باشد. او در این کتاب ضمن اینکه به صورت جنبی و به اختصار در باره توحید و عدل و نبوت بحث

این کتاب بارها در صیدا و ایران چاپ شده و اخیراً چاپ خوبی با تصحیح و تعلیقات عالمانه استاد حسن زاده آملی از طرف جامعه مدرسین قم منتشر شده است.

۱۰- معارج الفهم في شرح النظم

این کتاب شرحی است که علامه حلی بر کتاب دیگر خود به نام نظم البراهین فی اصول الدین نوشته است و چنین می نماید که از لحاظ اجمال و تفصیل، در حد متوسطی باشد و علامه در بعضی از کتب کلامی خود مطلب را به این کتاب و کتاب مناہج الیقین محول می کند. نام این کتاب هم در خلاصه الأقوال و هم در أجوبة المسائل المهنائية علامه، آمده است.

تا آنجا که ما می دانیم این کتاب چاپ نشده، ولی نسخه های متعددی از آن موجود است، از جمله:

— نسخه آستان قدس رضوی، به شماره ۲۵۹ که در قرن هشتم نوشته شده.

— نسخه مدرسه عالی سپهسالار تهران، به شماره ۸۳۰۱ که در سال ۷۱۶ به وسیله محمد بن ابی تراب ورامینی نوشته شده.

ابن تیمیه پس از چند سطر اضافه می کند:

«کسانی که این کتاب را پیش من آوردند گفتند: این کتاب یکی از بزرگترین علل واسباب شیوع مذهب آنها پیش کسانی است که به آنها مایل شده اند، از پادشاهان و دیگران...»^(۱)

برای همین بود که ابن تیمیه کتاب منهاج السنة را در ردّ همین کتاب منهاج الکرامه نوشت و خواست با زدن تهمت‌های ناروا و دادن نسبت‌های دروغ به شیعه، اثر تعیین کننده کتاب علامه حلی را خنثی کند. کتاب ابن تیمیه که بارها چاپ شده است، مملو از دروغ و تهمت و جعل و افتراست و هر انسان با انصافی با مطالعه آن، به روشنی غرض ورزیهای ابن تیمیه را در می یابد.^(۲)

در ردّ منهاج السنة کتابهایی از طرف علمای شیعه نوشته شده که از جمله آنها کتاب «اکمال المنة» از سراج الدین بن عیسی الیهندی و کتاب «منهاج الشریعة» از سید مهدی کاظمی است.^(۳) همچنین در رد کتاب ابن تیمیه کتابی تحت عنوان

می کند، مطالب اصلی خود را در باره اصل امامت و اثبات امامت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب - علیه السلام - و باقی ائمه اثنی عشر و همچنین مطاعن خلفا در شش فصل ادامه می دهد و به صورت بسیار مستدل و گسترده، موضوع را بررسی می کند و روایاتی را که در این زمینه می آورد، همگی از کتب حدیثی اهل سنت است.

این کتاب نیز مانند بعضی دیگر از کتابهای علامه، جهت سلطان محمد خدابنده اولجایتو نوشته شده است و تأثیر به سزایی در شیعه شدن او و بسیاری دیگر از مردم داشته و لذا بعضی از اهل سنت وقتی تأثیر فراوان این کتاب را دیدند، پیش محمد بن تیمیه شیخ الإسلام زمان خود رفتند و از او کمک خواستند.

ابن تیمیه خود در این باره می گوید: «طایفه ای از اهل سنت و جماعت پیش من آمدند و کتابی را به من نشان دادند که بعضی از شیوخ رافضه عصر ما آن را نوشته است و به وسیله آن به مذهب رافضه - امامیه - دعوت می کند...»

۱- ابن تیمیه، منهاج السنة: ج ۱، ص ۲ و ۳.

۲- برای دیدن قسمتی از دروغ‌پردازیه‌های ابن تیمیه، رجوع شود به: علامه امینی، الغدیر، ج ۳، ص ۱۴۸ تا ۲۱۷.

۳- الدرریعة: ج ۲۳، ص ۱۷۲.

«الانصاف في الانتصاف» نوشته شده که نسخه خطی آن در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۳۶۷ موجود است و متأسفانه مؤلف آن شناخته نشد.

مطلب دیگر اینکه کتاب منهاج الكرامة علامه حلی، به وسیله محمد قاسم هزار جریبی^(۱) از فضلالی نیمه اول سده دوازدهم، تحت عنوان «مشکوة الهدایة» به فارسی ترجمه شده که نسخه ای خطی از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۲۳۷۱ موجود است.

کتاب منهاج الكرامة بارها چاپ شده، ولی متأسفانه چاپ فنی تصحیح شده ای از آن در دست نیست. نسخه خطی آن متعدد است، از جمله:

– نسخه کتابخانه مجلس سنا در تهران، ضمن مجموعه ای به شماره ۱۶۴ که در قرن نهم نوشته شده است.

– نسخه کتابخانه آیه الله مرعشی در قم، ضمن مجموعه ای به شماره ۲۵۲۳ که در سال ۹۰۱ نوشته شده است. (۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



۱- ترجمه حالات هزار جریبی در: نجوم السماء، ص ۲۰۸.

۲- مقدمه ارشاد الأذهان: ص ۱۱۰.